



موفقیت من بانک من



www.azizibank.af 1515

این «سردار جنگی» ها هیچگاهی به دولت ملی نرسیده اند



برگرفته از صفحه فیسبوک احمدولی مسعود
این سیاست ۱۳ ساله آقای کرزی، افغانستان را امروز به بازار داغ انتحار - انفجار - سربریدن ها - گروگان گیری ها - ترورها و صدها فجایع و مصایب دیگر مبدل ساخته است که مردم ما هر روز تاوان سنگین آن را با جان خویش میپردازند.
امروز دستگاه های استخباراتی به آسانی می توانند از این نیروهای بی سرو ته طالبان ساخت پاکستان و ریزرف شده تیم آقای کرزی تحت عناوین مختلف، طالب، داعش، ... برای منافع خود استفاده نمایند.
نه آقای کرزی قدرت کنترل این نیروها را دارد و نه هم ISI در صدد کنترل آن می باشد

صفحه ۶

۳ کشته و ۵۰ زخمی در انفجار یک مسجد

تحفه رمضانی تروریستان



صفحه ۳

پاسخ شورای عالی صلح به خواست های جدید حکمتیار:

تفاهم نامه نهایی است و تغییری نمی آید

صفحه ۶

در برگ ها



هند: متحد جدی افغانستان در مبارزه با تروریسم

مشکلات و نویدهای تکنولوژی نوین



دولت افغانستان مرا به مسابقات جهانی معرفی کند

وزارت خارجه:

واقعیت تاریخی مولوی نباید نادیده گرفته شود



صفحه ۳

جنبش مدنی عدالت اجتماعی:

از سنگ صدا بر آمد،

از کمیسیون حقوق بشر و شورای علما نه!



صفحه ۳

برخی اعضای شورای ولایتی کندز:

عامل اصلی گروگانگیری ضعف حکومت محلی است



امردین ولی عضو شورای ولایتی کندز در مصاحبه با روزنامه ماندگار میگوید: عامل اصلی گروگان گیری های کندز ضعف حکومت محلی و دستگیری یکی از فرماندهان ارشد گروه طالبان است. به گفته او، چندی پیش یکی از فرماندهان طالبان در اسارت نیروهای امنیتی در آمد که پس از آن طالبان به گروگان گیری مسافران دست زده اند.

آقای ولی حکومت محلی کندز را ناتوان قلم داد کرده افزود: مقامات محلی این ولایت در چهار حادثه گروگان گیری اخیر تا هنوز واکنشی از خود نشان نداده اند. او گفت که آمار دقیقی از مسافران ربوده شده در دست نیست؛ ولی به اساس آمارهای ضد نقیض ۱۷-۱۹ تن از مسافران در بازداشت مخالفان قرار دارد که عملیاتی برای آزادسازی آنها صورت نگرفته است.

امردین ولی میگوید که کندز به نحوی در محاصره قرار دارد؛ تمام ساحات کندز ناامن و در کنترل گروه طالبان است. سفرهای مقامات به این ولایت از هوا صورت میگیرد.

صفحه ۶

احمد عمران



هند

متحد جدی افغانستان در مبارزه با تروریسم

شک پاکستان در رأس آن‌ها می‌تواند قرار داشته باشد) باید از سوی جامعه جهانی منزوی شوند.

آقای مودی در مردم افغانستان را در کانگرس امریکا با واژه‌گانی کاملاً سیاسی به تفسیر کشید و اعلام کرد که نوع مبارزه با تروریسم که در حال حاضر انجام می‌شود، به نحو این پدیده منجر نخواهد شد.

آقای مودی به نکته درستی اشاره می‌کند و آن تفاوت نگاه‌هایی است که نسبت به تروریسم و حامیان آن در جهان بروز کرده است. آقای مودی در کانگرس امریکا این پیام را خواست برساند که پاکستان در منطقه، کشوری غیرقابل دفاع و حتی غیرقابل تحمل است و نباید با مدارا با آن برخورد صورت گیرد.

پیام آقای مودی هرچند در حاله‌ی از زبان دیپلماتیک مستتر شده، اما وضاحت و روشنی خود را همچنان حفظ کرده است. آقای مودی تلاش کرد که توجه کانگرس امریکا را به عمق فاجعه‌ی بی‌نام تروریسم جلب کند؛ فاجعه‌ی که در آغاز به‌خوبی توجه جهانیان را به خود معطوف کرد، ولی با گذشت زمان و تحولات جدید در پیرامون ما این توجه به جاهای دیگر کشیده شد.

اما مهم‌تر از همه این‌که کشورهای مدعی مبارزه با تروریسم، هرگز پاکستان را جدی نگرفتند و طی سال‌های متمادی یا از سوی این کشور اغفال شدند و یا عملاً خود را به نادیده گرفتن مجبور کردند. حالا اما شرایط کاملاً تفاوت کرده است. هند می‌داند که بی‌پروایی در برابر کشورهای حامی تروریسم چقدر می‌تواند این مبارزه را به بی‌سرنوشتی دچار سازد و در نهایت، هیچ وقت پیروزی قطعی به دنبال نداشته باشد.

یکی از محدود سخنانی‌هایی بود که در کانگرس امریکا انجام شد و با استقبال کم‌نظیر اعضای آن روبه‌رو شد. آقای مودی چند روز پس از سفر به افغانستان و گشایش سد دوستی سلما، به امریکا سفر کرد. بخشی از سخنرانی آقای مودی مستقیماً به مسایل افغانستان و به‌ویژه مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی اختصاص یافته بود. آقای مودی با اشاره به کمک‌های امریکا و غرب در بازسازی افغانستان چنین گفت: «طبیعی است که افغان‌ها قربانی‌های گذشته امریکا را در کشورشان، به‌خاطر داشتن یک زنده‌گی بهتر درک می‌کنند. اما از مشارکت شما برای حفاظت از آرامش و امنیت در آینده هم خیلی قدردانی خواهد شد. هند نیز همکاری‌های زیاد و قربانی‌ها برای حمایت از دوستی با مردم افغانستان داشته است.»

این سخنان ضمن این‌که از مبارزه مشترک دو کشور برای مبارزه با تروریسم با قدردانی یاد می‌کند، ولی همچنان از انتظار مردم افغانستان برای آن‌چه که انجام نشده نیز پرده برمی‌دارد و نشان می‌دهد که دولت هند مراقب اوضاع هست و نسبت به این مسأله نگرانی دارد. نگرانی از این‌که نشود تغییر دیدگاه‌ها در مبارزه با تروریسم، عملاً به مصادره کردن وضعیت کشورها و مردمی بینجامد که قربانی تروریسم اند و سال‌ها در این راستا در خط اول قرار داشته‌اند. افغانستان بدون شک یکی از همین کشورهاست و هند در قدم دوم می‌تواند قربانی تروریسم محسوب شود.

در همین حال، آقای مودی در بخش دیگری از سخنرانی خود بدون آن‌که به پاکستان اشاره صریح داشته باشد، به صورت تلمیحی از این کشور به عنوان حامی تروریسم یاد کرد. او گفت که کشورهای حامی تروریسم (که بدون

از پانزده سال پیش که مبارزه با تروریسم در جهان به عنوان اولویت اساسی حفظ بقا و تمدن کنونی در برابر کشورها و دولت‌ها قرار گرفت، به نظر می‌رسد که تا امروز تغییرات جدی در برداشت از پدیده تروریسم در میان کشورهای جهان رونما شده است. این مبارزه پانزده سال قبل، پس از حمله تروریستی شبکه القاعده به برج‌های تجارت جهانی، به‌وسیله ایالات متحد امریکا به‌راه افتاد، ولی امروز دیده می‌شود که در دیدگاه‌های همین کشور از پدیده تروریسم نیز تفاوت‌هایی با تعریف پانزده سال پیش آن به‌وجود آمده است.

پانزده سال پیش، امریکا در رأس مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی، همه کشورهای جهان را هشدار داد که موقف خود را در برابر تروریسم روشن سازند؛ به این ترتیب که راه سومی در این میان وجود ندارد، یا باید در کنار تروریسم قرار گرفت و یا علیه آن. این هشدار در آن سال‌ها به مزاج بسیاری از کشورهای جهان خوش نخورد، ولی به‌ناچار برای این‌که نشان دهند در کنار تروریسم نیستند، از امریکا و متحدان آن حمایت کردند. اما امروز وقتی در دیدگاه‌های این کشور از پدیده تروریسم این‌همه تفاوت مشاهده می‌شود، واقعاً جای نگرانی و تعجب دارد. تعجب از این‌که چرا امریکا امروز برخی گروه‌های تروریستی را که پانزده سال پیش جنگ با آن‌ها را آغاز کرد، مشمول تعریف تروریسم نمی‌داند مثل طالبان، و نگرانی از این‌که اگر این مبارزه چنین بافت و خیزهای کلان همراه باشد، آن وقت بر سر کشورهای قربانی تروریسم و افراط‌گرایی چه خواهد آمد.

شاید با همین نگرانی، نرنندرا مودی نخست‌وزیر هندوستان وارد امریکا شد و در اجلاس مشترک کانگرس این کشور سخنرانی کرد. این سخنرانی در نوع خود،

سخن ماندگار

بازی ریاست جمهوری با انتخابات

به‌تازگی دولت افغانستان به‌خصوص ارگ ریاست‌جمهوری اعلام کرده است که آماده‌گی‌ها برای انتخابات گرفته می‌شود و رییس‌جمهور غنی در نامه‌ی به بانکی‌مون، دبیر کل سازمان ملل، خواهان مساعد کردن کمک‌های بین‌المللی برای برگزاری انتخابات شفاف در افغانستان شده است. از طرف دیگر، آقای غنی به وزارت‌های مالیه، داخله و کمیسیون‌های انتخاباتی دستور داده است که زمینه‌های مالی، امنیتی و تخنیکی برگزاری انتخابات را مساعد کنند.

حکومت در حالی از آماده‌گی‌ها برای برگزاری انتخابات سخن می‌گوید که ماه‌هاست کار اصلاح‌های انتخاباتی به حالت تعلیق درآمده و بهانه‌های زیادی در برابر ایجاد اصلاحات در نهادهای انتخاباتی تراشیده شده تا کار آن به تأخیر انداخته شود. مدت‌هاست که فرمان دوم ریاست‌جمهوری برای عملی شدن اصلاحات سطحی در نهادهای انتخاباتی، به مجلس فرستاده شده است، اما این‌بار هم به گفته نماینده‌گان مجلس رد می‌شود. دلیل آن‌هم این است که اصلاحات در نظر گرفته‌شده اصلاً معیاری نیستند و نیز حکومت نباید فرمان اصلاحات را به مجلس بفرستد. بر بنیاد توافق‌نامه دولت وحدت ملی، اصلاحات در نهادهای انتخاباتی از اصلی‌ترین اولویت‌های دولت است، اما متأسفانه آقای غنی در عملی شدن آن، کوچک‌ترین اقدامی نکرده است.

اگرچه کمیته اصلاح‌های انتخاباتی با ارایه طرحی ماه‌ها پیش، چه‌گونه‌گی اصلاحات و کمیته‌گزینه‌ها برای تعیین رهبری کمیسیون‌های انتخاباتی را تعیین کرده بود؛ اما ریاست‌جمهوری با رد آن فرمان در مجلس، فرصت را برای انحصار کمیته‌گزینه‌ها مساعد ساخت و فرمانی به همین هدف صادر کرد که تا به حال به مجلس عمومی کشانده نشده است. یعنی کار کمیته‌گزینه‌ها و اصلاح‌های انتخاباتی در بین مجلس و ریاست‌جمهوری گیر افتاد. با این حساب، برگزاری هر نوع انتخابات آن‌هم به نام مستقل و شفاف، در حیطه صلاحیت کمیسیون‌های موجود نیست و نیز ریاست‌جمهوری با اقداماتی که برای به تأخیر انداختن اصلاحات انجام داده و نیز نامه‌ی که به رییس سازمان ملل نوشته است، در حقیقت در میان دو امر متناقض قرار گرفته که نشان می‌دهد ریاست‌جمهوری برنامه‌ی برای اصلاح‌های انتخاباتی ندارد و حتی هنوز مصمم به برگزاری انتخابات پارلمانی نیست و فقط به هدف فریب جهان و خوب درخشیدن در کنفرانس وارسا که به‌زودی برگزاری خواهد شد، تلاش می‌کند تا کمک‌های جامعه جهانی را جذب کند.

مسئلاً اگر دولت تصمیم به راه‌اندازی یک انتخابات شفاف می‌داشت، ماه‌ها قبل کار اصلاح‌های انتخاباتی پایان یافته بود و حالا همه زمینه‌ها برای برگزاری یک انتخابات شفاف مساعد گشته بود. اما در شرایطی که تقلب در انتخابات ریاست‌جمهوری، اعتماد مردم را نسبت به انتخابات شفاف توسط همین کمیسیون‌ها و سیستم از میان برده است، برگزاری هر نوع انتخابات با عین ساختار و سیستم مردم را از رفتن به پای صندوق‌های رای باز می‌دارد و سنت تقلب در کشور نیز برای مدت‌های مدید پایدار می‌ماند.

به باور ما، آقای غنی باید اراده جدی برای اصلاحات بنیادی در نهادهای انتخاباتی داشته باشد و با ایجاد اصلاحات بنیادین، مردم را به رفتن به سمت انتخابات تشویق کند. البته ایجاد اصلاحات در نهادهای انتخاباتی، از صلاحیت‌های ریاست‌اجرائی است که متأسفانه در برابر اراده ریاست‌جمهوری قرار دارد. بنابراین آقای عبدالله باید بیشتر از هر کس دیگری تلاش‌هایش را برای ایجاد اصلاحات در نهادهای انتخاباتی بسیج کند و باید نشان دهد که بر سر وعده‌هایش با مردم افغانستان به‌خصوص درباره ایجاد اصلاحات در نهادهای انتخاباتی کشور ایستاده است.

پیام آقای مودی هرچند در حاله‌ی از زبان دیپلماتیک مستتر شده، اما وضاحت و روشنی خود را همچنان حفظ کرده است. آقای مودی تلاش کرد که توجه کانگرس امریکا را به عمق فاجعه‌ی بی‌نام تروریسم جلب کند؛ فاجعه‌ی که در آغاز به‌خوبی توجه جهانیان را به خود معطوف کرد، ولی با گذشت زمان و تحولات جدید در پیرامون ما این توجه به جاهای دیگر کشیده شد

روح الله بهزاد

جنبش مدنی عدالت اجتماعی:

از سنگ صدا بر آمد،

از کمیسیون حقوق بشر و شورای علما نه!



شماری از فعالین مدنی و شهروندان کشور با اشاره به کشتار و گروگان‌گیری غیرنظامیان از سوی طالبان می‌گویند که در مذمت اعمال تروریستی طالبان از سنگ صدا برآمد، از شورای علما و کمیسیون حقوق بشر نه.

آنان می‌گویند که شورای علما و کمیسیون حقوق بشر به‌عنوان نهادهای تأثیرگذار و دخیل در مسایل مهم کشور، باید موقف خود را در پیوند به کشته‌شدن شهروندان کشور از سوی طالبان ابراز بدارند.

این شهروندان و فعالین مدنی دیروز «جمعه ۲۱ خرداد/شور» با اشتراک در کنفرانسی که از سوی جنبش مدنی عدالت اجتماعی در کابل برگزار گردیده بود، با انتقاد از حکومت گفتند: تداوم ناامنی در شمال تبدیل به فاجعه قومی خواهد شد که در آن‌صورت وضعیت از کنترل دولت خارج خواهد بود.

آنان هم‌چنان از شورای امنیت ملی خواستند تا موقف خود را در پیوند به ناامنی شمال واضع و مشخص سازد و از فاجعه قومی که در شمال در شرف وقوع است، با اقدامات به موقع جلوگیری کنند.

احمد ذکی، رییس جنبش مدنی عدالت اجتماعی در این کنفرانس گفت: اگر حقایق حادثه کندز به مردم افشا و عاملان آن مورد پیگرد قرار می‌گرفت؛ امروز شاهد گروگان‌گیری و کشته‌شدن شهروندان مان در این شاهراه نمی‌بودیم. آقای ذکی افزود: حکومت در حوادث اخیر شمال واکنش در خوری نداشت و به نحوه در کارهای حکومت ناتوانی،

۳ کشته و ۵۰ زخمی در انفجار یک مسجد

تحفهٔ رضانی تروریستان

وقوع یک انفجار در مسجدی در ولایت ننگرهار دست‌کم سه کشته و ده‌ها زخمی به جا گذاشته است. مقامات محلی این ولایت گفته‌اند که این حمله در هنگام ادای نماز جمعه صورت گرفت.

عطاالله خوگیانی، سخنگوی والی ننگرهار گفت: «امروز (دیروز) حوالی ساعت یک و نیم مواد انفجاری که در محراب مسجد قریه حصارک ولسوالی رودات جاسازی شده بود در هنگام ادای نماز انفجار کرد.»

این اولین باری نیست که چنین

نمایش گذاشته و نتوانسته جلو چنین فجایع را بگیرد.»

به‌گفته این فعال مدنی: وقتی بدخشانی و تخاری از موترها بیاده و به گلوله بسته می‌شوند، خود بیان‌گر دامن‌زدن اختلافات قومی است و از سوی علقات مشخصین کار صورت می‌گیرد که امیدواریم دولت در شناسایی آن‌ها اقدام کند.

آقای بیگ با انتقاد از کارکرد شورای عالی صلح بیان داشت: این شورا بودجه فراوانی در اختیار دارد، اما این بودجه حیف و میل می‌شود؛ ما از حکومت می‌خواهیم تا این شورا را لغو و بودجه آن را به نهادهای امنیتی و دفاعی به مصرف برسانند تا در سرکوب طالبان موثر واقع شود.

آقای بیگ از شورای امنیت ملی می‌خواهد تا موضوع به شهادت رسیدن شهروندان و هم‌چنان امنیت در شمال را جدی بگیرد تا فاجعه قومی که آهسته‌آهسته بو می‌کشد، اتفاق نیفتد.

در اخیر این برنامه جنبش مدنی عدالت اجتماعی طی بخش اعلامیه‌یی گفتند، با آن‌که هزینه‌های هفتگتی در پروسه صلح به مصرف رسیده است، با آن‌همسال‌هاست شهروندان افغانستان قربانی سیاست‌های ناسنجیده مسوولان دولت می‌شوند.

در بخشی از این اعلامیه آمده است: «باوجودی که بیشتر از ۶۰ درصد بودجه ملی صرف فعالیت‌های نظامی می‌شود، با آن‌هم ناامنی بیداد می‌کند و طالبان در ۲۰۰ متری پاسگاه‌های امنیتی در شاهراه‌ها دست به گروگان‌گیری و کشتار مسافران می‌زنند.»

در قسمت دیگر این اعلامیه هم‌چنان گفته شده که باید شورای علمای کشور موقف رسمی خود را در پیوند به کشتار شهروندان از سوی طالبان اعلام بدارد و در کنار آن، شورای عالی صلح که تا به حال کارایی نداشته و مردم افغانستان شاهد دست‌آوردی از این شورا نبود، باید ملغا گردد.

در ادامه این اعلامیه آمده است: «ضعف مدیریتی شورای امنیت ملی در هم‌آهنگی نهادهای امنیتی سبب شده است تا نیروهای امنیتی عملکرد درست و به موقع نداشته باشد، بنا شورای امنیت باید این نقیصه را رفع و هم‌چنان در شناسایی و به دادگاه کشاندن ستون پنجمی‌ها نیز اقدام کنند.»

انفجاری در مسجد صورت می‌گیرد. در ماه رمضان مساجد در افغانستان از زدهام بیشتری برخوردارند. مسوولیت این حادثه را تا حال هیچ گروهی به عهده نگرفته است.

سخنگوی والی ننگرهار در مورد این که آیا تدابیر ویژه‌یی برای تأمین امنیت مساجد گرفته شده است، گفت: «نیروهای امنیتی ما همه وقت و در جریان رمضان نیز تدابیر امنیتی را می‌گیرند و در اکثریت مناطق ننگرهار عملیات جریان دارد. داعش و گروه‌های مسلح بسیار ضعیف شده‌اند.»

پیش از این طالبان بارها مساجد را مورد هدف قرار داده‌اند.

وزارت خارجه:

واقعیت تاریخی مولوی نباید

نادیده گرفته شود

هارون مجیدی

ثبت مثنوی معنوی به عنوان میراث مشترک فرهنگی ایران و ترکیه در سازمان یونسکو اعتراضات دولت افغانستان و شماری از فرهنگیان افغانستانی را برانگیخته است.

صلاح الدین ربانی، وزیر خارجه افغانستان در دیدار با محمد چاووش اوغلو، همتای ترکی‌اش، از او خواستار معلومات در این رابطه شده است. به گفته وزارت خارجه افغانستان، وزیر خارجه ترکیه از این موضوع اظهار بی‌اطلاعی کرده و به مقام‌های کشورش هدایت داده است تا پیشنهاد افغانستان به عنوان زادگاه مولوی را در این رابطه در نظر بگیرند.

به تاریخ ۱۱ جوزا، رسانه‌های ایران به نقل از رییس سازمان مرکز اسناد ملی این کشور اعلام کرد که با کشور ترکیه توافق کرده که مثنوی معنوی را به عنوان میراث فرهنگی مشترک ثبت کنند، زیرا به گفته مقام‌های ایرانی مولانا یکی از وجوه مشترک فرهنگی ایران و ترکیه است.

در این حال، وزارت خارجه افغانستان در خبرنامه‌یی گفته است که نصیر احمد اندیشه، سرپرست و معین اداری و مالی این وزارت در این رابطه با پرتیشیا مک فلیس، نماینده یونسکو برای افغانستان در کابل دیدار کرده است.

در اعلامیه وزارت خارجه افغانستان آمده است که معین این وزارت از این توافق ترکیه و ایران ابراز نگرانی کرده و «خاطر نشان ساخت که هرگاه قرار باشد این اثر شناخته شده ادبی و شهبکار عرفانی مولوی ثبت میراث جهانی یونسکو گردد، واقعیت تاریخی زادگاه خداوندگار بلخ نباید نادیده گرفته شود و پیوند مولانای بزرگ با افغانستان نباید فراموش گردد.»

وزارت خارجه افغانستان گفته است که نماینده یونسکو اطمینان داد تا این نگرانی افغانستان را به مرکز این اداره ملل متحد گزارش بدهد.

نامه اعتراضی

پیش از این، عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ در نامه‌یی به محمود صیقل نماینده دایمی افغانستان در سازمان ملل فرستاده و نوشته است: «از آن‌جایی که مولانا جلال الدین محمد در بلخ به دنیا آمده و سال‌های کودکی تا جوانی اش در وختش، سمرقند، شام، لارنده و بیشتر در قونیه تحت نظر پدر بزرگوار شان سلطان العلماء بهاء‌الدین ولد که خود از دانشمندان نامی بلخ بودند شکل گرفته، مولانای بلخ می‌تواند سبب افتخار و همگرایی منطقه ما باشد.»

آقای نور در این نامه یادآور شده است که بلخ به‌خاطر داشتن فرزندی مانند مولانا جلال الدین محمد بلخی که از افتخارات و سرمایه‌های معنوی تمام جهان است و به خودش می‌بالد؛ اما ما به این باوریم که محدود ساختن مولانا به یک یا دو کشور ریختن بحر در کوزه است و شایسته نام بزرگ او نخواهد بود.

عطا محمد نور از نماینده دایمی افغانستان در سازمان ملل خواسته تا اعتراض جدی‌یی را در پیوند به ثبت شدن انحصارگرایی مثنوی معنوی به عنوان میراث مشترک فرهنگی ایران-ترکیه به مسوولان سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل یا یونسکو، مسوولان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه اذعان داشته اجازه ندهد تا سهم بلخ که مادر مولانا است، در ثبت او در میان افتخارات سازمان ملل نادیده گرفته شود. در عین حال، به روز پنج‌شنبه (۲۰ جوزا) شماری از فعالان سیاسی و فرهنگی در نشست در کابل نسبت به این تصمیم ترکیه و ایران اعتراض کردند.

آنان با پخش اعلامیه‌یی گفته اند که موضوع سرقت ارزش‌ها و افتخارات تاریخی و فرهنگی ما از سوی کشورهای همسایه، موضوع تازه‌یی نیست، اگر ایران با این هدف‌ها و اعمال سوء در خیال و آرزوی باطل

برگشت به دوره‌های گسترده‌گی و وسعت جغرافیایی‌اش، باشد، این امر برای انسان مدرن ام‌روزی «سکنا گزیده در قلمروهای جغرافیایی تعریف شده کنونی»، مضحکه‌یی بیش نیست، و امروزه دولت‌ها، هم‌راه با مجموع عناصر تشکیل‌دهنده شان (قلمرو، جمعیت، حکومت و حاکمیت)، به‌عنوان بازیگران نظام بین‌المللی در سطح جهان، مورد شناسایی عموم کشور های دیگر، و سازمان ملل متحد قرار دارند.

این فعالان گفته اند که اختلاف و مجادله تاریخی بر سر تعلق مولانا به سرزمین خاصی، پیشینه از این بیشتر هم میان ترکیه و ایران دارد، همان‌گونه که اتفاقات مشابهی در «سال مولانا» هم میان این دو کشور افتاد، اما در افغانستان، همواره بنابر پالیسی‌های فرهنگ گریز و غفلت‌های عاملانه‌یی که از سوی دستگاه دولت و نهادهای مسوول، وجود داشته است، اندیشه‌های مولانا، همان‌طور ناشناخته و ناگفته باقی مانده است، تا جایی که این کشور، به عنوان زادگاه مولانا، در آن مقاطع حساس، حرف جدی‌یی برای بیان نداشته است. بناً از این بیشتر برای ما، غفلت و برخورد سطحی‌نگرانه در خصوص این امر، و موارد مشابه به آن، قابل تحمل نیست، ما نمی‌خواهیم، فرهنگ مان دزدیده شود.

این قصه معلق خواهد ماند

از سویی هم، سیدرضا محمدی رییس اتحادیه نویسندگان افغانستان در پیوند به اقدامات این اتحادیه در یادداشتی که در فیسبوک منتشر کرده نوشته است: ما در دو هفته گذشته از آدرس اتحادیه نویسندگان افغانستان هم نامه‌نگاری رسمی به دفتر مرکزی یونسکو و هم نماینده‌گی افغانستان در یونسکو داشتیم در کنارش دو جلسه مفصل با مسوولین یونسکو در کابل برگزار کردیم.

به گفته آقای محمدی: «نتیجه این که این یک مساله دولتی است و دولت‌ها باید در خواست بدهند و یک دوسیه قطوری را پُر کنند که چون در افغانستان هیچ‌کس حوصله پُر کردن چندین و چند صفحه دوسیه را ندارد، این قصه معلق خواهد ماند.»

به نوشته آقای محمدی: «دولت افغانستان مدت ها است در یونسکو نماینده ندارد، در جلسه با مسوولین یونسکو معلوم شد که در کنار دوازده کشوری که نوروز را به عنوان میراث مشترک بشری ثبت کرده اند، دوسیه افغانستان در چندین سال تکمیل نشده، مسوولین یونسکو نامه‌های بی جواب‌شان را به دولت افغانستان نشان دادند.»

اقدام ثبت مثنوی معنوی در یونسکو به عنوان میراث مشترک ایران و ترکیه در طی یکی دو هفته، پیوسته اعتراضات شمار زیادی از فرهنگیان افغانستانی را در پی داشته است.

دکتر سمیع حامد شاعر نام‌آشنای افغانستانی در یادداشتی نوشته است که افغانستان فقط زادگاه مولانا نیست تا تنها از همین گوشه شهکارهای مولوی برای ما مهم باشند. افغانستان خاست‌گاه زبان پارسی دری نیز است. افغانستان اندام مهمی از ایران‌شهر بزرگ هم است و هر چه به ایران کهن پیوند دارد از افغانستان هم است. تازه بخش برانده‌یی از میراث ادبی ما خراسانی هستند و بیشترین بخش خراسان پارینه در جغرافیای سرزمین ما است.

به گفته دکتر حامد: از نظر زبانی مثنوی میراث تمام کشور هایی است که در ساختن ادبیات کلاسیک پارسی دری نقش داشته اند. بر این بنیاد مثنوی به همان پیمان که از ایران کنونی است؛ از تاجیکستان هم است.

مثنوی، مشهور به مثنوی معنوی یا مثنوی مولانا، نام کتاب شعری از مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، شاعر پارسی‌گو است. این کتاب از ۲۶ هزار بیت و ۶ دفتر تشکیل شده و در قالب شعر مثنوی سروده شده است.

جلال‌الدین محمد بلخی، ملقب به مولانا، در سال ۱۲۰۷ میلادی (۶۰۴ هجری قمری) در بلخ متولد شد و خانقاه بهاء‌الدین ولد، پدر او، در ولایت بلخ افغانستان قرار دارد.

بخش نخست

مشکلات و نویدهای تکنولوژی نوین



نویسنده: پاتریک مونی چکیده:

نویسنده ضمن تأکید بر این فرض که مشکلات ناشی از تکنولوژی، مهم‌ترین دغدغه فرهنگی و اجتماعی انسان معاصر به شمار می‌رود، با کندوکاو در چند دیدگاه از جمله دیدگاه هایدگر نسبت به مسأله تکنولوژی، سعی دارد در کنار شناسایی ماهیت مشکلاتی که تکنولوژی برای انسان به ارمغان آورده است، راه‌های نجات انسان از این مشکلات را نیز مورد بررسی قرار دهد. این مسأله که آیا پیشرفت‌های تکنولوژیک نوین برای بشر سودمند یا مضر بوده است، شاید مبرم‌ترین پرسشی باشد که جامعه ما با آن روبه‌روست. اگر تکنولوژی مضر است، در این صورت ما باید این خطر را به حداقل برسانیم یا به کلی رفع کنیم. اگر تکنولوژی منبع مشکلات و نگرانی‌هایی نیست که مکرراً به آن نسبت داده می‌شود، پس ما باید به دنبال دلیل دیگری برای فشارهای اجتماعی و روانی‌بی‌باشیم که جامعه ما با آن‌ها مواجه است. از زمان وقوع انقلاب صنعتی به بعد، مردم شکایت‌هایی را درباره اثرات سوء تکنولوژی ابراز کرده‌اند. از این رو ما باید آن‌چه را که مارتین هایدگر فیلسوف آلمانی قرن بیستم آن را «مسأله‌ی در خصوص تکنولوژی» نامیده است، مورد بررسی قرار دهیم. دیوید کرل ویراستار، در مقدمه خود بر نطق هایدگر با عنوان «مسأله‌ی در خصوص تکنولوژی» خاطرنشان می‌کند که «محور این مسأله چیزی جز بقای گونه انسان و سیاره زمین» نیست. مارتین هایدگر یکی از کسانی بود که این مسأله را دقیق‌تر از هر کس دیگری مورد بررسی قرار داده است. با این حال، گروه‌هایی چون «باشگاه آزادی» که «آن ابومیر» یکی از اعضای آن است، این مسأله را بیشتر به کانون توجه ما رانده‌اند. باشگاه آزادی ادعا می‌کند که انقلاب صنعتی، انهدام روانی و تخریب زیست‌محیطی بیشتری را به همراه داشته است. در حالی که هایدگر،

این احتمال را هشدار می‌دهد که انسان ممکن است برده تکنولوژی شود. نه تنها روشن‌فکران برج عاج‌نشین و گوشه‌نشینان مخالف‌خواه، مدت‌ها از وقت خود را صرف بررسی مشکلات ناشی از تکنولوژی کرده‌اند، بلکه داستان‌نویسان مختلفی چون کورت وونه گات جونیور، آلدوس هاکسلی، جرج اورول و والتر. میلی جونیور نیز این مشکلات را در آثار خود مورد توجه قرار داده‌اند. هر یک از این نویسندگان، روش خود، مشکلاتی را که تکنولوژی بر جامعه ما تحمیل کرده، بررسی نموده‌اند. کلیه ژانرهای موسیقی که نام‌های گویایی دارند، نظیر «صنعتی» و «تکنو» نیز در دهه‌های اخیر قد برافراشته‌اند. مثلاً موسیقی گروه «صنعتی»، مکرراً به مفاهیمی چون غم وجود، الیناسیون و بی‌معنایی حیات، به عنوان مفاهیمی حایز اهمیت سروکار دارد.

این عوامل حاکی از آن هستند که مشکل تکنولوژی، جامعه و فرهنگ ما را چه آگاهانه و چه ناآگاهانه فرا گرفته است. با این حال، به منظور بررسی مشکلات ناشی از تکنولوژی و کشف ماهیت مشکل ضرورت دارد. من در بررسی استدلال‌های مخالف تکنولوژی، با دو گروه عمده تفکر در ارتباط با خطرات تکنولوژی مواجه شده‌ام. شاید یکی از بهترین انتقادهای وارده به سیستم تکنولوژیک - صنعتی نوین را بتوان در جزوه «جامعه صنعتی و آینده آن» که به باشگاه آزادی تعلق دارد یافت؛ جزوه‌ی که بیشتر با عنوان «مانیفست آناپومبر» شناخته می‌شود. چون این متن تأثیرات گسترده‌ی بر جامعه ما گذاشته است، ابتدا آن را بررسی می‌کنیم. با این‌که مخالفت‌های زیادی نسبت به استدلال مطرح شده در این مانیفست وجود دارد، اما دغدغه‌های مطرح شده در آن قابل قبول است. من بر روی مسایل و راه حل مطرح شده در این مانیفست تمرکز می‌کنم تا خود این استدلال. به طور خلاصه، استدلال باشگاه آزادی این است که کارکرد سیستم تکنولوژیک -

صنعتی فعلی کسانی را که در درون آن زنده‌گی می‌کنند، از آزادی و استقلال خود محروم می‌کند و بر سرنوشته آن‌ها تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، آن‌چنان که باشگاه آزادی می‌گوید، این سیستم تکنولوژیک - صنعتی، افراد برگزیده اندکی را به نسبت دیگران از این قدرت برخوردارند تا توانایی خود تصمیم‌گیری دیگران را از آن‌ها سلب کنند، قادر، تشویق و ملزم به انجام این کار می‌کند. در عین حال، این سیستم به ناگزیر به سمت درجه‌ی همواره رو به تزاید از کنترل بر زنده‌گی افراد پیش می‌رود و نمی‌توان به منظور جلوگیری یا اصلاح این وضعیت، در آن اصلاحاتی انجام داد. اگر بخواهیم عبارتی را از جان استوارت میل وام بگیریم، باید بگویم که سیستم اجتماعی فعلی «جان کسانی را که در حیطه اقتدار آن زنده‌گی می‌کنند، به برده‌گی می‌کشاند». در نتیجه، باشگاه آزادی از این دفاع می‌کند که این سیستم تکنولوژیک - صنعتی را باید عقب راند تا دیگر نتواند توانایی تعیین آینده انسان‌ها توسط خود را از آن‌ها سلب کند. این سیستم تکنولوژیک - صنعتی را می‌توان با از بین بردن تکنولوژی ویرانگر، دانش تکنولوژیک و روش‌های تولید که برای یک جامعه تکنولوژیک - صنعتی الزامی هستند، نابود کرد. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات استدلال باشگاه آزادی، وجود این واقعیت است که هر جامعه‌ی، آزادی افراد را به میزانی کم یا زیاد تحدید می‌کند. از نظر تاریخی، این مداخله، منتج از مداخله حکومت، نابردباری مذهبی یا عدم پذیرش ساده از سوی سایر اعضای جامعه بوده است. به نظر جان استوارت میل، این عدم پذیرش اجتماعی وقتی رخ می‌دهد که مسایل جامعه هر یک اجبار دارند در تمام اموری دخالت کنند که نباید در آن‌ها مداخله‌ی داشته باشند.

منبع: www.thecourier.com

بخش نخست

با هم بودن کنار سفره افطار

آوید طالبیان

در خانواده شما دور هم بودن چه قدر مهم است؟ تعامل در خانواده شما چه تعریفی دارد؟ وقتی دور هم هستید، بیش‌تر درخصوص چه مسایلی صحبت می‌کنید؟

در خانواده شما زمان‌های دور هم بودن معمولاً چه وقت‌هایی است؟ چه قدر به گفت‌وگو در خانواده شما اهمیت داده می‌شود؟ شما به عنوان والدین ترجیح می‌دهید چه قدر از زمان خود را صرف فرزندان‌تان کنید؟ شما به عنوان یک فرزند از بودن کنار والدین‌تان چه قدر لذت می‌برید؟ چه قدر از حال و احوال اعضای خانواده خود باخبر هستید؟ ناراحتی یا شادی آن‌ها را چه گونه درک می‌کنید؟

ممکن است در خانواده‌ی زمان‌های دور هم بودن آن‌ها کم‌تر از یک ساعت باشد و ممکن است در خانواده دیگری، این میزان به چندساعت هم برسد؛ اما مسأله این است که به گفته جامعه‌شناسان و کارشناسان امور خانواده، هر قدر تعامل بین اعضای خانواده بیشتر باشد، به همان میزان کانون خانواده بر پایه‌های محکم‌تری بنا می‌شود.

در خانواده‌ی که فرزندشان بیش‌تر وقتش را پای رایانه (کمپیوتر) می‌گذراند، یا والدین حداقل زمان را صرف گفت‌وگو می‌کنند، مسلماً تعامل مثبت و لازم انجام نمی‌شود. در حالی که در خانواده‌هایی که حتماً زمانی را برای صحبت کردن و تعامل صرف می‌کنند، مسایل کم‌تر پنهان و پیچیده می‌ماند.

تعامل شاید به شکل‌های مختلفی تعریف شود، اما مفهوم اصلی آن ارتباط موثر و مفید داشتن است؛ ارتباطی که منجر می‌شود مسأله‌ی پنهان‌نماند، در صورت مطرح شدن بدون قضاوت یا سرزنش حل شود و در نهایت روابط در خانواده بر پایه دوستی و محبت واقعی باشد.

احساس خانواده داشتن، یکی از نیازهای اساسی برای انسان تلقی می‌شود. در واقع، احساس تعلق به جایی، از طریق خانواده برطرف می‌شود.

از سوی دیگر، احساس تکیه‌گاه داشتن، محبت، رابطه، اعتماد به نفس، شایسته‌گی و... نیازهایی است که باید در خانواده ارضا شود و فضای گرم خانواده، بستری مناسب برای ارضای این نیازهاست. مفاهیمی چون مهر، محبت، عشق، صمیمیت، صفا و اعتماد به نفس در یک خانواده زمانی نهادینه می‌شود که ارتباط اعضای آن بر اساس همین مفاهیم شکل گرفته باشد.

در واقع بحث سعه صدر، احترام به یک‌دیگر، روابط صمیمی و نزدیک، توجه به ارزش‌ها و عشق باید در فرهنگ خانواده‌گی با تعامل و گفت‌وگوی خانواده‌گی شکل بگیرد.

همه زنده‌گی کار نیست

هدف از تعریف اوقات فراغت در جوامع صنعتی این بود که خانواده‌ها در زمان فراغ شدن از کار، فرصت تفریح، گردش و پرداختن به امور زنده‌گی بهتر را داشته باشند.

در واقع در جوامع صنعتی به خانواده‌ها آموزش داده می‌شود که چه‌گونه برنامه‌ریزی کنند تا بعد از انجام کار طاقت‌فرسا و خسته‌کننده، فرصت داشته باشند تا در کنار خانواده خود به امور زنده‌گی بهتر بپردازند.



قرآن

محمود نیاکان

ابزارهای هنری، یکی از رساترین، بلیغ‌ترین و کاری‌ترین ابزار ابلاغ و تبلیغ پیام است. در واقع، هنر نیز یک شیوه بیان است، یک شیوه آدا کردن است، منتهای این شیوه بیان از هر شیوه تبیین دیگر، رساتر، دقیق‌تر، نافذتر و ماندگارتر است. اگر زبان علمی یا عادی دارای این ویژگی و بیان مستقیم حقایق است، زبان هنر نیز، این ویژگی را دارا خواهد بود که بیان غیرمستقیم همین حقایق است، با این تفاوت که زبان هنر، بیانگر حقایق به صورت واقعی آنها نیست، بلکه بر عنصر تخیل استوار است.

به عنوان مثال، برای نشان دادن اهمیت اتفاق در راه خدا، گاهی می‌گوییم: «هر کس برای خشنودی خدا اموال خود را اتفاق کند» چند برابر آن پادشاه خواهد داشت. قهراً این سخن، یک بیان واقعی یا عادی و یا علمی است. اما هنگامی که همین مفهوم را در آیه ۲۶۱ سوره بقره، مشاهده می‌کنیم، می‌بینیم، قرآن کریم این تعبیر را در قالب یک بیان «هنری» در آورده و در آن، یک رابطه جدید بین اتفاق و دانه گندم به تصویر کشیده شده است: «کسانی که اموال خود را در راه خدا اتفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند...»

بنابراین، قرآن کریم، برای عمق بخشیدن و محکم‌تر کردن مقصود مورد نظر در ذهن مخاطب، از یک شیوه هنری سود برده است.

در یک نگاه کل، چنین می‌توان گفت: هر چند در قرآن کریم، به صراحت آیه‌یی درباره هنر و ارزش آن وارد نشده است، ولی از آن‌جا که دعوت قرآن کریم و اسلام به چیزهایی است که در فطرت آدمی است میل به زیبایی و استفاده از شیوه‌های مختلف هنری برای جذب بیشتر از امور فطری است که در وجود انسان است و قهراً قرآن کریم می‌بایست به گونه‌یی به زیبایی هنر و ارزش آن پرداخته باشد، برخی آیات که در این زمینه وارد شده‌اند عبارت‌اند از:

۱. «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ...» (سجده، ۷) او همان کسی است که هر چه را آفرید، نیکو آفرید...»
۲. «وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ...» (غافر، ۶۴) و شما را صورت‌گیری کرد و صورت‌تان را نیکو آفرید...»
۳. «فَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ...» (مؤمنون، ۱۴) پس بزرگ است، خدایی که بهترین آفریننده‌گان است...»
۴. «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً...» (بقره، ۱۳۸) رنگ خدایی (بپذیرید رنگ ایمان، توحید و اسلام) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است!...»
۵. «فَلَمَنْ حَرَمَ زَيْنَةَ اللَّهِ...» (اعراف، ۳۲) بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟...»
۶. «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...» (اعراف، ۳۱) ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید...»

آیات فوق، همه‌گی دلالت دارد بر این‌که خداوند متعال نیز از زیبایی و قامت موزون در پدیده‌ها خبر می‌دهد و به نقش هنر، زیبایی، هماهنگی، دلنوازی و صورت‌های زیبا و دلپذیر در مخلوقات خود اشاره می‌فرماید؛ پس ما نیز باید درس گرفته و در کارها و اعمال‌مان، از هنر و زیبایی و خلق شیوه‌های نو و دلنواز کمک بگیریم.

هنر و اشکال هنری در قرآن:

هنر آهنگ (مراد از آهنگ، آوا داشتن و تجانس و توازن عبادات قرآنی است) حروف تشکیل دهنده یک کلمه، جایگاهی خاص و سنجیده دارد، به شکلی که اگر هر تعبیری از تعبیر قرآن، بخواهد جایگزین تعبیر مشابه آن شود و یا حذف گردد، فصاحت و بلاغت قرآن، دچار خدشه می‌شود. آهنگ سازمان‌یافته حروف، موجب بر دل نشستن آن در قلب هر انسانی است. [۱] به عبارت دیگر، همسانی صوتی یک کلمه با کلمه دیگر و قرار داشتن اصوات و آواها در یک سیستم صوتی مکرر و پی در پی، همانند اوزان شعری یا عبارات موزون و آهنگ داخلی و همسانی و هماهنگی

اصوات با مفهوم، از جمله شیوه‌هایی است که می‌توان به روشنی در متن قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم (ص) مشاهده نمود.

عالی‌ترین هنر در پیوند میان اصوات و صداها، تلاوت قرآن کریم است، که همواره مورد ستایش پیشوایان دین قرار گرفته است [۲] و در قرآن کریم نیز بدان تأکید شده است. [۳]

در تاریخ، حکایات متعدد و مختلفی در این زمینه به چشم می‌خورد. آیات قرآن در هنگام تلاوت، به گونه‌یی در جان و دل افرادی می‌نشست که آنان را از خود بی خود می‌کرد. ولید بن مغیره مخزومی، شخصی است که در میان عرب به حسن تدبیر، مشهور بوده است و او را «گل سر سبد قریش» می‌نامیدند. پس از نزول آیات اولیه سوره مبارکه غافر، پیامبر (ص) در مسجد حضور یافت و این آیات را، در حالی که ولید در نزدیکی آن حضرت بود، قرائت فرمود. پیامبر اکرم چون توجه ولید به آیات را مشاهده فرمود، بار دیگر نیز آیات را قرائت نمود. ولید بن مغیره، از مسجد خارج و در مجلسی از طایفه بنی مخزوم حاضر شد و این گونه شروع به سخن نمود:

به خدا سوگند، از محمد سخنی شنیدم که نه به گفتار انسان‌ها شباهت دارد و نه به سخن حیوان. گفتار او حلاوت خاصی دارد و بس زیباست. بالای آن (نظیر درختان) پُرثمر و پایین آن (همانند ریشه درختان کهن) پُرمایه است. گفتاری است که بر همه چیز پیروز می‌شود و چیزی بر آن پیروز نخواهد شد. [۴]

شعر:

شعر نه تنها از نظر تاریخی، حجم بسیار بزرگی از ادبیات عرب را به خود اختصاص داده، بلکه دیوان زبان عربی و شناسنامه تاریخ آن است. اسلام، این کار هنری را به رسمیت شناخت و به تشویق آن پرداخت، به شاعران پایگاهی ارزشمند و والا و وعده ثواب اخروی داد. قرآن، ضمن نگرش از شاعران بی‌هدف که جز تأمین منافع مادی و ارضای نامشروع احساسات جنسی و غرایز پست حیوانی، محرک و انگیزه‌یی ندارند. [۵] به تجلیل از شعراء و گوینده‌گانی پرداخته که سروده آنان را احساسات پاک و شورانگیز، از عشق به بیان حقیقت، مبارزه با باطل و دعوت به کارهای نیک، برخوردار است. [۶]

پیامبر اکرم نیز درباره این دسته از شعراء فرموده: «ان من الشعر لحکمة؛ پاره‌یی از شعراء دانش و حکمت است.» [۷] پیشوایان اسلام، همواره از سروده‌های شاعران با هدف استقبال نموده و آن‌ها را مورد احترام و محبت خود قرار می‌دادند. لفظه‌یی که یکی از افراد طایفه بنی کنانه برخاست و از حضرتش اجازه گرفت که اشعاری را که درباره حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - سروده بود، بخواند. حضرت اجازه داد و او اشعار خود را خواند.

پیامبر اکرم درباره او چنین دعا فرمود: «لک لکل بیت قلته بیت فی الجنة؛ در برابر هر بیتی از این اشعار، خانه‌یی در بهشت داری.» [۸]

به دلیل اثرات بارزی که شعر در میدان دفاع از حق و زنده ساختن حقیقت، از خود می‌گذارد، هنگامی که عبدالرحمن بن کعب از پیامبر اکرم درباره شعر سوال نمود، آن حضرت چنین پاسخ فرمود: مرد با ایمان با شمشیر و زبان خود از حریم حق دفاع می‌کند. به خدایی که جان من در دست اوست، سروده‌های شما به‌سان تیری است که به قلب و چشم دشمن می‌نشیند. [۹]

تمجید از شعر از سوی پیامبر - صلی الله علیه و آله - یا استشهد او به شعر و حتا شعر سرودن ایشان، نه به این جهت است که شعر یکی از انواع هنر محسوب می‌شود، بلکه از آن روست که شعر ابزاری است در راه بیان حقایق و به همین دلیل نیز آن‌چه در نزد ایشان اهمیت داشت، «مفهوم» شعر بود، نه ساختار و تکنیک و معیارهای هنری، همانند آن‌چه در میدان‌های جنگ به صورت رجز خوانده می‌شد.

هنر قصه در قرآن

یکی از شیوه‌های جذب مخاطبین و تأثیرگذاری مطالب، بیان آن‌ها در قالب داستان است که در تعالیم انبیای الهی - علیهم‌السلام - و کتاب‌های آسمانی و آموزش‌های دینی، برای پیام‌رسانی بیشتر و تأثیر تربیتی مؤثرتر، مورد توجه قرار گرفته است.

داستان واقعی‌یی که در قرآن کریم مطرح شده، نوعی از طرح حقیقی «واقعیت» است، نه آن که صرفاً «حکایت» یا «کشف» و یا «نگاهی» کوتاه به واقعیتی باشد که در دایره واقعیت‌های ممکن یا محتمل در داستان قرار دارد؛ به عبارت دیگر، داستان‌های قرآن کریم، بر خلاف آن‌چه در داستان‌های ساخته و پرداخته اندیشه بشر است، ساخته و پرداخته «حوادث مجهول» نیست، بلکه داستان قرآنی، پرداختن به واقعیت‌های موجود است، پرداختن به واقعیت بر اساس «گزینش»، رخدادها، شخصیت‌ها و محیط‌های مناسب و

جمله به دریا افکنده شدن ایشان، نجات‌شان از دریا و آزادی ایشان و ورودشان به شهر، کشتن یکی از آن دو نفری که با یکدیگر درگیر بودند، رفتن به مدین، کمک به آن دو دختر، ازدواج‌شان با یکی از آن دو، نزول وحی بر ایشان و رفتن به سوی فرعون و ... در مقابل در «داستان کوتاه»، به یک «مقطع عرضی»، یا وضعیتی استثنایی و بسیط از زنده‌گی شخصیت داستان بسنده کرده است.

از دیگر امتیازات داستان‌های قرآنی از داستان‌های بشری، این است که داستان‌های قرآنی، دارای ساختار هندسی ویژه‌یی است که بر اساس آن تمام جزئیات داستان و اجزای آن اعم از آغاز و متن و انتها، دارای پیوندی زنده با یکدیگر است، به نحوی که هر جزئی از داستان یا تکامل و تحولی از جزو پیشین آن و یا شرح و تفصیلی بر آن و یا اثری از آن و یا امری در تجانس با آن است و همه اجزا در تابع محور فکری واحدی است.

در داستان‌های قرآنی، از اصل «غافلگیری»، یعنی مواجه ساختن خواننده، با وضعیت و یا رخدادی ناگهانی و غیر قابل پیش‌بینی، «تعلیق»، یعنی نگاه داشتن سزای که تنها پس از گذشت زمان روشن خواهد شد و «تشویق»، یعنی دل بسته کردن خواننده به پیگیری «آن‌چه رخ خواهد داد»، به خوبی استفاده شده است؛ مثلاً می‌توان برای اصل غافلگیری، به داستان حضرت ابراهیم - علیه السلام - اشاره کرد، این داستان در سوره انبیاء آمده و به واقعه «درهم کوبیدن بت‌ها و نگهداشتن بت بزرگ» پرداخته است که بهترین نمونه از عنصر «غافلگیری» است.

اما عنصر «درنگ و تأخیر»، را می‌توان در داستان «اصحاب کهف» [۱۱] که در آن تعداد اصحاب کهف به عنوان سزای پوشیده مانده است، مشاهده کرد.



مورد نظر است. این گزینش و این نحوه پرداختن به واقعیت‌ها، به گونه‌یی است که از داستان‌های ساخته فکر بشر به نام داستان‌های تاریخی، کاملاً متمایز است؛ زیرا داستان‌های تاریخی، به پاره‌یی از حوادث و رخداد‌های واقعی می‌پردازند، و برخی از عناصر ساخته و پرداخته ذهن را نیز به آن می‌افزایند، این امر در راستای اهداف هنری نویسنده، از جمله تشویق و غیره و نیز در راستای اهداف فکری داستان که نقطه‌نظرات و دیدگاه‌های نویسنده را مطرح می‌کند، صورت می‌گیرد.

افزودن عناصر غیر واقعی باعث می‌شود ویژه‌گی واقعیت عینی از داستان سلب شود، هم‌چنین نبود عناصر هنری و تخیلی نیز، از دیگر سوی، کار را از حالت یک کار هنری خارج خواهد کرد.

عناصر داستانی در قرآن کریم، گاهی یک سوره را به طور کامل و گاهی بخشی از یک سوره را به خود اختصاص داده است. با توجه به این کار در برخی از سوره‌ها تنها یک داستان وجود دارد، و در برخی دیگر بیش از یک داستان. این داستان‌ها بر اساس هدف فکری سوره و رسالت آن شکل می‌گیرند.

داستان‌های قرآنی را می‌توان بر اساس معیارها و اصطلاحات بشری، به «رمان» نظیر سوره یوسف - علیه السلام - و برخی از داستان‌های حضرت موسی - علیه السلام - و نیز به داستان کوتاه، نظیر اکثر داستان‌های قرآنی و حکایات، نظیر اکثر حکایات‌های قرآنی که کلمات نقل شده از کس دیگر، بدون آن‌که حرکت یا صیغه آن کلمه تغییر کند، قرآن آن را بیان داشته است، مثل نقل گفتار حضرت موسی - علیه السلام - در مقابل فرعون و یا نقل گفتار فرعون به حضرت موسی - علیه السلام - و غیره.

در اصطلاحات بشری، به داستان‌هایی که به «زنده‌گی طولی» شخصیت داستان پرداخته شده باشد، «رمان» گفته می‌شود؛ به عنوان مثال، در سوره شعراء، به «زنده‌گی طولی»، حضرت موسی - علیه السلام - اشاره شده است و بخش عمده‌یی از سیر زنده‌گی آن حضرت، در آن مطرح شده است؛ از

هنر نوشتن و ویژه‌گی نوشته آن است که خطاب به شخص یا اشخاص و یا مردمی مشخص و معین در قالب نوشتار می‌باشد. خداوند متعال در قرآن کریم به قلم نیز ارزش داده و به آن سوگند یاد کرده است: «سوگند به قلم و آن‌چه با قلم می‌نویسند» [۱۲]. از

ظاهر آیه فوق برمی‌آید منظور از قلم، مطلق هر نوشته‌یی است که با قلم نوشته می‌شود، از این جهت به آن سوگند یاد کرده؛ زیرا قلم و نوشته، از عظیم‌ترین نعمت‌های الهی است که خداوند بشر را به آن هدایت کرده است و به وسیله آن، حوادث غایب از انظار آدمی و معانی نهفته در دل افراد را ضبط می‌کند. به همین منظور نیز یکی از نعمت‌های الهی به شمار رفته است.

صورت‌های هنری یاد شد، نمونه‌یی از جلوه‌های هنری قرآن کریم بود که بدون آن‌که به‌طور مستقیم، به مقوله هنر بپردازد، مطالب گهربار خود را در قالب هنرهای گوناگون بیان کرده است. [۱۳]

پی‌نوشت:

- ۱- اعجاز قرآن، سید رضا مؤدب، انتشارات احسن‌الحديث.
- ۲- مجله فقه، شماره چهارم و پنجم، ویژه هنر، تابستان و پاییز ۱۳۷۴، ص ۱۲.
- ۳- مزمل، آیه ۴.
- ۴- مجمع‌البیان، ج ۱۰، ص ۵۸۴.
- ۵- شعراء، ۲۲۶ - ۲۲۴.
- ۶- شعراء، ۲۲۷.
- ۷- تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۳۵۴.
- ۸- امالی شیخ طوسی، ص ۴۶.
- ۹- الغدیر، ج ۲.
- ۱۱- کهف، ۱۲ - ۱۰.
- ۱۲- سوره قلم، آیه ۱.
- ۱۳- زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، محمدتقی جعفری، چاپ سوم، زمستان ۱۳۶۹.



پاسخ شورای عالی صلح به خواست‌های جدید حکمتیار:

تفاهم‌نامه نهایی است و تغییری نمی‌آید

مجیدی

هیأت مذاکره کننده حزب اسلامی گلبدین حکمتیار با خواست‌های تازه‌ی دوباره به کابل آمده‌اند.

هیأت مذاکره کننده حزب اسلامی بعد از دیدار با گلبدین حکمتیار خواهان افزودن سه ماده دیگر در متن تفاهم‌نامه صلح این حزب با حکومت افغانستان است.

در عین حال، معاون شورای عالی صلح و رییس هیأت مذاکره کننده با نماینده‌گان حزب اسلامی می‌گوید که متن تفاهم‌نامه صلح دولت با حزب اسلامی نهایی است و بعد از رسیدن به نتیجه به عقب بر نمی‌گردیم.

گفته می‌شود که گلبدین حکمتیار خواستار افزودن چند مورد دیگر در متن تفاهم‌نامه صلح با حکومت افغانستان شده است.

تعیین جدول زمانی برای خروج نیروهای خارجی، حضور نماینده‌گان حزب اسلامی در کمیسیون‌های انتخاباتی و نقش برجسته اعضای این حزب در سطوح مختلف دولتی، از خواست‌های جدید گلبدین حکمتیار گفته شده است.

پیش از این، انجنیر محمدخان معاون ریاست اجرایی گفته بود که شرطی برای خروج نیروهای خارجی در پیش‌نویس تفاهم‌نامه صلح حزب اسلامی با دولت نیامده که به گفته او، این نشان

از تنزیل خواست‌های حزب اسلامی برای صلح است.

معاون ریاست اجرایی گفته بود که تنها در این پیش‌نویس آمده که اگر نیروهای خارجی مطابق توافق‌نامه‌هایی که تاکنون انجام شده، از افغانستان خارج شوند، این عمل از سوی دولت و حزب اسلامی استقبال می‌شود.

کریم امین رییس هیأت مذاکره کننده حزب اسلامی که بعد از دو هفته گفت‌وگو با گلبدین حکمتیار و اعضای دیگر این حزب به کابل آمده است، می‌گوید: بعضی پرسش‌های در رابطه به این تفاهم‌نامه وجود داشت.

به گفته آقای امین: این پرسش‌ها بیشتر در بخش‌های از تفاهم‌نامه که می‌شود از آن تعابیر مختلف کرد، به میان آمده است.

رییس هیأت مذاکره کننده حزب اسلامی می‌افزاید که به خاطر از میان برداشتن سوء برداشت‌ها و تعابیر مختلف دوباره به کابل برگشته‌ایم.

از سویی هم، عطارالرحمن سلیم معاون شورای عالی صلح و رییس هیأت مذاکره کننده با هیأت حزب اسلامی با بیان این که متن تفاهم‌نامه صلح نهایی است، می‌گوید: در تفاهم‌نامه صلح هیچ جای ابهام وجود ندارد.

به گفته آقای سلیم: حالا زمانی که هیأت مذاکره کننده حزب اسلامی خواست‌های جدید را مطرح می‌کند، بسیار دیر شده و بعد از وقت می‌باشد.

رییس هیأت مذاکره کننده با هیأت حزب اسلامی هم‌چنان می‌گوید: «ما نزدیک به دو ماه و ده روز با جزئیات همراه با هیأت حزب اسلامی مذاکره کردیم، درست نیست وقتی به یک نتیجه می‌رسیم دوباره به عقب برگردیم.»

حکومت افغانستان پیش از این مسوده تفاهم‌نامه صلح با حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار را در خانه رییس شورای عالی صلح در کابل به امضا رساندند.

این تفاهم‌نامه در یک مقدمه، سه فصل و ۲۶ ماده آماده شده است. در این سه فصل روی اصول اساسی تفاهم‌نامه، مکلفیت‌های طرفین و موارد دیگر بحث شده است.

برپایه این تفاهم‌نامه، هواداران حزب اسلامی که هم‌اکنون در پاکستان پناهنده‌اند، به کشور بازخواهند گشت و زندانیان این حزب نیز پس از بررسی پرونده‌های‌شان اگر قابلیت بخشیده شدن را داشته باشند، از زندان رها خواهند شد.

حدود ۲ ماه پیش یک تفاهم‌نامه با پادریانی شورای عالی صلح بین حزب اسلامی و حکومت آماده شده که نسخه‌هایی از این تفاهم‌نامه به رییس‌جمهور غنی گلبدین حکمتیار سپرده شده است.

برخی اعضای شورای ولایتی کندز:

عامل اصلی گروگانگیری ضعف حکومت محلی است

ابوبکر صدیق

جدی کندز. او گفت: پس از اتفاق ربودن مسافران دولت در ساحه چهار پوسته امنیتی ایجاد کرده است؛ اما، طالبان تا هنوز هم در ساحه حضور دارند و به ساده‌گی می‌توانند به سرک بالا شوند و مسافران را پیاده کرده با خود ببرند؛ دیروز نیز طالبان در کندز برخی از مسافران را پیاده کردند که در عملیات نیروهای امنیتی ۷ تن شان نجات یافتند و متباقی را طالبان با خود برده اند.

قسیم جنگل باغ فرمانده امنیه کندز در تماس تیلفونی با روزنامه ماندگار گفت: در ساحه‌یی که مسافران از طرف مخالفان ربوده شده‌اند، پوسته‌های امنیتی ایجاد شده و تلاش برای رهایی مسافران در بند جریان دارد.

به گفته او، طالبان پس از آغاز عملیات عمری بیشترین نیروی خود را در کندز مستقر ساخته‌اند؛ اما با آنهم از سوی نیروهای امنیتی و دفاعی به شکست مواجه شده‌اند. فرمانده پولیس کندز گفت که این گروه به شکل دزدانه بعضی اوقات برای مسافران مزاحمت ایجاد می‌کنند.

آقای جنگل باغ افزود: (دیروز) طالبان یک موتر حامل مسافران را در مسیر راه خان آباد تخار توقف داده، ۲۰ تن از مسافر را پیاده کرده بودند که پس از رسیدن نیروهای امنیتی به ساحه ۱۲ تن از این مسافران نجات یافته و ۸ تن را طالبان با خود برده‌اند.

فرمانده امنیه کندز تصریح کرد: افرادی که از طرف طالبان در این مسیر از موترهای حامل‌شان پیاده کرده می‌شوند و یا به ضرب گلوله شهید ساخته می‌شوند، افراد ملکی اند که جهت کار به کشورهای همسایه می‌روند.

به گفته آقای جنگل باغ، گروه تروستی طالبان با پیاده کردن و شهید ساختن افراد ملکی می‌خواهند در بین مردم وحشت ایجاد کنند. این نشان می‌دهد که آنها توان رویارویی با نیروهای امنیتی را ندارند. این مقام پولیس گفت که به‌خاطر جلوگیری از تکرار این حوادث، پوسته‌های امنیتی در ساحه ایجاد شده و گشت‌زنی سیار (گزمه) نیروهای امنیتی نیز در ساحه جریان دارد.

کندز در سال‌های پسین شاهد نامنی‌های روز افزون بوده است. سال گذشته این ولایت به دست طالبان سقوط کرد. سقوط کندز، حضور قوی طالبان را در این ولایت به نمایش گذاشت.

برخی اعضای شورای ولایتی کندز می‌گویند که این ولایت از سوی طالبان در محاصره قرار دارد. آنان با اشاره به گروگان‌گیری مسافران از سوی طالبان در دو هفته اخیر به روزنامه ماندگار گفته‌اند که حکومت محلی کندز در تأمین امنیت شهروندان ناتوان و ضعیف است. در دو هفته اخیر، طالبان ده‌ها مسافر را در اطراف کندز پایین کرده و به محل نامعلومی برده‌اند. بر بنیاد برخی گزارش‌ها، برخی از مسافران از سوی طالبان تیرباران شده‌اند.

امرالدين ولي عضو شورای ولایتی کندز در مصاحبه با روزنامه ماندگار می‌گوید: عامل اصلی گروگان‌گیری کندز ضعف حکومت محلی و دستگیری یکی از فرماندهان ارشد گروه طالبان است. به گفته او، چندی پیش یکی از فرماندهان طالبان در اسارت نیروهای امنیتی در آمد که پس از آن طالبان به گروگان‌گیری مسافران دست زدند. آقای ولی حکومت محلی کندز را ناتوان قلم داد کرده افزود: مقامات محلی این ولایت در چهار حادثه گروگان‌گیری اخیر تا هنوز واکنشی از خود نشان نداده‌اند. او گفت که آمار دقیقی از مسافران ربوده شده در دست نیست؛ ولی به اساس آمارهای ضد نقیض ۱۷-۱۹ تن از مسافران در بازداشت مخالفان قرار دارد که عملیاتی برای آزادسازی آن‌ها صورت نگرفته است.

امرالدين ولي می‌گوید که کندز به نحوی در محاصره قرار دارد؛ تمام ساحات کندز ناامن و در کنترل گروه طالبان است. سفرهای مقامات به این ولایت از هوا صورت می‌گیرد. همچنان، ذبیح‌الله مجیدی یک تن از فعالان مدنی کندز می‌گوید: طالبان استراتژی جنگی خویش را تغییر داده اند.

آقای مجیدی افزود: در جریان چند روز گروه طالبان مسلح برخی از مسافران را در مسیر شاهراه کندز- تخار را پیاده کرده با خود برده و برخی‌شان را تیرباران کرده اند که باعث نگرانی و ناراحتی عمیق مردم شده است. به گفته او، طالبان در مسیر شاهراه کندز - تخار پیش از این موترهای کوچک را توقف می‌دادند و حامل آن اگر فرد دولتی می‌بود سر می‌زدند؛ اما مردم کندز و فعالان مدنی این ولایت در یک اعتراض مدنی از دولت خواستند که در تأمین امنیت شاهراه، مسافران و خانواده قربانیان توجه

اعتراف به لایه‌های پنهان خشونت

محمد محق- دین پژوه

برخورد فیزیکی در برنامه «آماج» تلویزیون یک از جهات مختلف قابل تأمل است، و مرا به یاد گذشته‌هایی انداخت که با چنین مَشی پیوند داشت.

من در نوجوانی، در سال‌های جهاد و هجرت، شیفته ایدئولوژی اخوان المسلمین بودم و کسانی که برای آن کار کرده بودند در نظر قهرمان می‌آمدند. در آن سال‌ها از جمله حکایات شیرین و دل‌نشینی که می‌شنیدیم، بیشتر از زبان کسانی که پیش‌کسوت ما در این راه شمرده می‌شدند، حکایاتی بود مربوط به برخوردهای فیزیکی خشونت‌بار میان دانشجویان اخوانی و شعله‌یی در هرات، احتمالاً در سال ۱۳۵۱ اتفاق افتاده بود و اینکه هر کس از چه وسایل جارحیه‌یی با چه قوت و شدتی استفاده کرده بود.

حکایت دیگر از برخورد مشابه آن در کابل بود که باز میان این دو طیف رُخ داده بود؛ می‌گفتند که آقای حکمتیار موفق شده بود تا یکی از رهبران شعله جاوید را به‌نام سیدال سخنور از بالکن لیلیه به پایین انداخته و به قتل برساند. در ادامه این حکایت‌ها، قصه‌هایی می‌آمد از اینکه چگونه آقای حکمتیار در دوران پشاور توانسته بود با استخبارات آهین خود در آن زمان عرصه را بر دیگرانندیشان تنگ کند و یکایک چهره‌های برجسته آنان را به قتل برساند، از جمله کسی به‌نام قیوم رهبر.

البته حکایاتی شبیه این را در باره برخی دیگر از گروه‌های مذهبی هم می‌شنیدیم که با مخالفان فکری خود اعمال کرده بودند و همچنان در باره گروه‌های غیر مذهبی، از جمله بعضی از شاخه‌های انشعابی شعله جاوید که در کویت پاکستان در حق هم‌فکران سابق‌شان، بعد از ترک آن گروه، انجام داده بودند، گفته می‌شد که شماری از آنان را با کارد ریزه ریزه کرده بودند. حکایت‌های خلق و پرچم و گورهای دست‌جمعی‌شان که البته برای همگان هویدا بود.

خشونت چنان فضیلتی بود که اکثریت گروه‌های سیاسی تلاش می‌کردند از آن بی نصیب نمانند، چراکه نشانه مردانگی، صلابت و ایمان قوی به ایدئولوژی به شمار می‌رفت.

من در اینجا در صدد قضاوت تاریخی این حکایت‌ها نیستم تا داوری کنم که کدامش راست است و کدامش دروغ یا آمیخته به مبالغه. این کار تاریخ‌نگاران حرفه‌یی است. در آن سال‌ها نیز که بسیار جوان بودم و آکنده از احساسات، برایم صحت و سقم این روایات مهم نبود، آنچه اهمیت داشت ابعاد حماسی این ماجراها بود و البته اکنون ابعاد اخلاقی آنها اهمیت یافته است.

در آن زمان، در ذهن من، و نیز در ذهن بسیاری از جوانان هم‌نسل من، قضیه به صورت تقابل ابدی خیر و شر نقش می‌بست! از نظر ما، بی آنکه عضویت حزب اسلامی را داشته باشیم، حکمتیار قهرمان خیر بود و مشت آهین حق که بر سر شکستی باطل فرود می‌آمد و انتقام همه مظلومان تاریخ را می‌گرفت! ما در جوب و چماق جوانان مسلمانی که سر و دست شعله‌یی‌ها را خرد کرده بود، یا در ذهن ما هنوز خرد می‌کرد، تجلی خشم حق را می‌دیدیم که بر سر باطل، پیروان شیطان، و نمادهای شر فرود می‌آمد! از آن دیدگاه، رسالت ما، رسالت هر مومن حقیقی، تلاش و مبارزه برای پاک کردن لکه‌های ننگین شر و رذیلت از دامن جامعه انسانی بود، لکه‌هایی که به شکل احزاب و گروه‌های دگراندیش و مخالف فکر ما نمایان شده بود. ما تصور می‌کردیم که هرگونه ملایمت در این عرصه مساوی با ضعف ایمان، سستی عقیده، کمبود شجاعت و قلت مردانگی است.

سال‌های بسیار گذشت تا به کمک مطالعه، گفتگو، جستجو و تأملات مستمر در این باب پی بردم که حق و باطل قبل از هر چیز خود را در عرصه برهان و استدلال نشان می‌دهد، و اینکه متوسل شدن به خشونت، چه گفتاری و چه رفتاری، خود نشانه باطل بودن است و اینکه یکی از ملاک‌های مهم برای تشخیص حقانیت هر فکر و هر گروهی پای‌بند ماندن به فضایل اخلاق است، خشونت با اخلاق قابل جمع نیست، و اینکه ما وظیفه نداریم تا تمام دنیا را از هر پدیده‌یی که ما رذیلتش می‌پنداریم پاک کنیم، ممکن نیست دنیا را بهشت بسازیم، بل آنچه ممکن است این است که بگذاریم انسان‌ها در این چند روز کوتاه زنده‌گی آرام باشند، و حقوق یک‌دیگر را لگدمال نکنند، کاری به کار هم‌دیگر نداشته باشند، تا درخور توانایی خود به تشخیص حق و باطل برسند و فراخور آن عمل کنند بی آنکه متعرض حال دیگران شوند، هر کس به صلاح و اصلاح خویشتن همت گمارد بزرگترین کار ممکن را کرده است!

شب گذشته که آن برخورد خشونت‌بار را در تلویزیون دیدم به یاد آن سال‌های جوانی افتادم و در ذهن خود سنجیدم که چه شمار جوانان ما امروز در همان فضای ذهنی خواهند بود و چقدر این برخوردها را تقابل حق و باطل خواهند پنداشت و چقدر از نو احساسات مذهبی و ضد مذهبی غلیان خواهد کرد، چقدر در حاشیه آن حماسه‌سرایی خواهد شد، و چقدر جان‌ها و روان‌ها مستعد لغزیدن به خشونت‌های بیشتر خواهد گردید، چقدر زمینه برای سلب آرامش مردم بیشتر فراهم خواهد گردید، چقدر راه ریختن خون‌ها و برپاد دادن زنده‌گی‌ها هموارتر خواهد گردید، اگر منطق خشونت، از هر طرف و با هر نامی که باشد، به نقد گرفته نشود، چهره غیر انسانی آن نشان داده نشود، هاله تقدس کاذب از پیرامون آن زوده نشود و حرمت جان و روان آدمی و آرامش و آسایش او به درستی فهمانده نشود.

فیسبوک نامه

وحید عمر



زمونر سفارت ته هره ورځ په لس هاوو افغانان د مختلفو کارونو لپاره مراجعه کوي. اکثریت هغه ځوانان دي چې قاچاقی راغلي او اوس خان ته افغانی پاسپورتونه او نور اسناد جوړوي. رنځېدلي، دردېدلي، بې وزله او بدبخته ځوانان دي. کور او ځای نه لري. په پارکونو کې څملي. نه بې فارسی زده ده، نه ایټالیایی او نه انگریزی. بس شفاهی پښتو بې زده ده او بس. زه بې په کره دلیل نه پوهېږم خو د دغو مراجعینو غوڅ اکثریت د ننگرهار، کنړ، لغمان او بغلان دي.

پرون سهار ور ووتم. شاوخوا شپيته افغانان پاسپورت اخیستو ته راغلي وو. ۵۵ یې د پورته ولایتونو وو. باقی یې هزاره وروڼه ول.

پخوا به دوی د پاسپورت فورمې په عریضه نویس لیکلې او ۵ یورو به یې ورته ورکولې. مالې راځی. عریضه نویس ته ولې پیسې ورکوی. فورمې به پخپله ډکې کړو.

غږ مې پرې وکړ چې په تاسو کې باسواده سته چې نورو سره مرسته وکړي او فورمه ورته ډکه کړي. دوه لاسونه پورته شول، دواړه هزاره ځوانان وول. دې نورو ته مې کړې چې په تاسو ۵۵ ځوانانو کې یو هم نسته چې دا یوه صفحه فورمه ډکه کړي. هیڅ چا ځواب را نه کړ.

بس هماغه هزاره ځوان او زما یو همکار ټولې فورمې ورته ډکې کړې. په ۵۵ کې یو هم نه وو چې د خپل قد لوړوالی په متر او سانتي متر وښيي. یو هم داسې نه وو چې خپله امضا ولري. یوه په فورمه کې امضا وکړه. مالي همدا امضا بیا کولای شی. ویل یې نه سفیر صیب سواد نه لرم بیا یې نشم کولای.

مونږ خو به خپل آخري کوشنې وکړو چې دغه ځوانان چې دلته راغلي مایوسه نشي. مرسته ورسره وکړو او دا د حقارت او بې وزلۍ نه ډک ژوند ورته آسانه کړو. خو!

په افغانستان کې قومی مشرانو او روشنفکرانو ته چې گورم چې گز بې په لاس کې څمکه او آسمانه گزوي، سخت ودرېږم چې سرپه زه خو د قومی رهبري دعوا نلرم، ته بې لري. د همدې قوم له آدرسه دې په ملیونونو روپۍ پیدا کړي. درسته ورځ جار وه چې حکومت نسکوروم او خپل حکومت جوړوم. فلاني بابا ته مقبره جوړوم او فلاني ته چوک ور په نوم کووم. په تذکره کې به دا لیکم او دا نه پرېږدم. په کوم روی دا کار کوې؟ ته خو د قوم رهبر یې. هم اقتصادی وس لري او هم سیاسی زور لري. دا ټول نمایشی کارونه پرېږده ورسه خپل د کلي ماشومانو ته مکتب جوړ کړه، بند مکتبونه بیرته را خلاص کړه. ولایت کې دې د سواد آموزی کورسونه جوړ کړه. چې لس کاله بعد دې د ځوان حالت همدا نه وي.

حشمت رادفر



وقت کُشي در پیوند به اصلاحات انتخاباتی هم چنان ادامه خواهد داشت. کار برای رد فرمان تقنینی رییس جمهور در پیوند به وظایف و صلاحیت های کمیسیون های انتخاباتی در پارلمان کشور با جدیت تمام ادامه دارد.

این روند تا بدان جا باید با «حوصلمندی» ادامه یابد که تمام طرف ها به برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی با حداقل اصلاحات شکلی و فرمایشی در نهادهای انتخاباتی (در حد جابه جایی چند مهره ناکارآمد در نهادهای انتخاباتی) تن دهند و زمینه برای دوزدن کامل توافق نامه سیاسی و به حاشیه راندن گفتمان تغییر نظام و حفظ قانون اساسی پادشاه ساز کنونی برای انتخابات آینده ریاست جمهوری فراهم شود.

قرار نیست کسی از روزگار درس بگیرد، چند تا مبارک در صدد درس دادن به روزگار، تاریخ و مردم ما از طریق تسخیر ساختارهای قدرت و استحکام آن به بدل خواه خود البته در تباری با حامیان خارجی شان اند.

منان ناصح



از سخنان تازه نسی مصداق، مشاور رییس جمهور در امور مطبوعات، و دوست قدیمی فاروق اعظم:

«عاشقان زبان ایرانی به جای استفاده از کلمات اسلامی مثلاً «خاص» یا افتخار لغت «ویژه» را به کار می برند... اگر ایرانیان با اعراب دشمنی دارند، ما افغانستانی ها، که خدا را شکر گذاریم که ما را مسلمان پیدا کرده است، چرا به جای کلمات قرآنی از کلمات بی مفهوم آتش پرستان استفاده کنیم؟»

ناصح: این همان آغایی است که ۲۰ سال پیش به خاطر قوم گرایی بیش از حد از بی بی سی اخراج شد. و پس از آن، به دیدار ملا عمر به قندهار رفت و در بازگشت به لندن در کنار فاشیست سرشناس، یعنی فاروق اعظم، در یک محفل بزرگ جار میزد که «طالبان د افغانستان اصلی بچیان دی او همدی خلق دا ملک آباد کری.»

حتا انگلیس، یعنی پدر طالبان هم فاشیسم نسی مصداق را تحمل کرده نتوانست، ولی اشرف غنی او را زیر نام شایسته سالاری و تکنوکرات در حلقه ارگ جا داد تا تخم نفرت و نفاق بریزد. در مقاله پشتوی مصداق، که لینک آن را در بخش تبصره ها می گذارم، اشاراتی به برنامه پشتونیزه کردن افغانستان و «پلان ۵۰ ساله» هم رفته است. ولی این خواب را به گور خواهند برد. این جا قرن ۲۱ است.

ترحم بر پلنگ تیز دندان - ستمکاری بود بر گوسفندان

انتقاد عفو بین الملل از حملات نژاد پرستانه در برابر پناهنده گان در آلمان

سازمان عفو بین الملل انتقاد شدیدی به حملات نژادپرستانه روزافزون در آلمان علیه پناهنده گان و اقدامات ناکافی دولت در حمایت از اقامت گاه های این گروه وارد کرد.

سازمان عفو بین الملل به آلمان برای حمایت های ناکافی از اقامت گاه های پناهنده گان انتقاد وارد کرد.

به اعتقاد این سازمان حقوق بشری، اقامت گاه های پناهنده گان در آلمان به صورت کافی علیه حملات بیگانه ستیزانه حمایت نمی شود.

سازمان عفو بین الملل در برلین تأکید کرد که هیچ طرح حمایتی واحد و یکنواختی برای این منظور در سراسر آلمان وجود ندارد. همواره مواردی وجود دارد که راست گرایان افراطی دارای سوء پیشینه برای شرکت های امنیتی خصوصی که بر اقامت گاه های پناهنده گان نظارت می کنند، کار می کنند.

دبیر کل عفو بین الملل در آلمان از کنفرانس وزرای داخلی ایالات آلمان درخواست کرد که روی یک طرح سراسری به منظور حمایت از اقامت گاه های پناهنده گان در برابر حملات نژادپرستانه توافق کنند.

سازمان عفو بین الملل هم چنین به آمارهای ارائه شده از طرف اداره فدرال پولیس جنایی آلمان اشاره کرد که بر اساس آن، سال گذشته بیش از ۱۲۰۰ حمله با انگیزه های سیاسی به اقامت گاه های پناهنده گان ثبت شده است که یک افزایش ۱۵۰۰ درصدی نسبت به سال قبل از آن را نشان می دهد.

بر اساس اطلاعات پولیس، حدود ۱۷۷ مورد حملات آتش سوزی، حمله با مواد منفجره یا آسیب های بدنی وجود داشته است.

سازمان عفو بین الملل هم چنین به آمارهایی اشاره کرد که نشان می داد در سال گذشته هر هفته به صورت میانگین شش اعتراض علیه پناهنده گان وجود داشته است.

سلمین چالیشکان، دبیر کل عفو بین الملل در آلمان در ادامه انتقاداتی خود از برلین در این راستا گفت: از یک طرف فرهنگ فوق العاده و دل سوزانه خوش آمدگویی در آلمان وجود دارد و از طرف دیگر خشم نژادپرستانه به صورت افسارگسیخته و بی ملاحظه در این جامعه دیده می شود. حملات نژادپرستانه هرگز تا این حد بالا نبوده است.

حمایت چین از پاکستان در برابر امریکا و هند

این روزها که ماجرای تشدید تنش ها میان امریکا و پاکستان و هم چنین حمایت تمام قد امریکا از هند برای عضویت آن در گروه تأمین کننده گان هسته ای به عنوان اخبار مهم به ویژه در منطقه جنوب آسیا مطرح است، چینی ها موضعی در حمایت از پاکستان و مخالفت با هند و امریکا اتخاذ کرده اند.

چین به عنوان بزرگ ترین شریک تجاری پاکستان و همسایه این کشور که طرح ها و همکاری های اقتصادی و تجاری گسترده ای را با پاکستان آغاز کرده است، حمایت پاکستان در عرصه های گوناگون بین المللی را جزو سیاست های اصولی خود می داند.

هونگ لی، سخنگوی وزارت امور خارجه چین در واکنش به حمله هواپیماهای بدون سرنشین امریکا به خاک پاکستان که موجب کشته شدن سرکرده طالبان افغانستان شد، تأکید کرده است که همه کشورهای جهان باید به حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی پاکستان کاملاً احترام بگذارند.

اسلام آباد اعلام کرده که این گونه حملات هوایی امریکا نقض صریح حاکمیت ملی و تمامیت ارضی پاکستان است.

سخنگوی وزارت امور خارجه چین هم چنین گفته است: تلاش های پاکستان برای مبارزه با تروریسم و حمایت از روند صلح افغانستان باید از سوی جامعه بین الملل محترم شمرده شود.

او تأکید کرد که گروه چهارجانبه صلح افغانستان (پاکستان، افغانستان، چین و امریکا) برای کمک به روند مذاکرات صلح افغانستان تشکیل شده و همه اعضای این گروه چهارجانبه باید در مسیر محقق شدن هدف صلح در افغانستان گام بردارند.

چین، مخالف سرسخت عضویت هند در گروه تأمین کننده گان هسته ای چینی ها هم چنین با اتخاذ مواضع سخت در مخالفت با عضویت هند در گروه تأمین کننده گان هسته ای (NSG) به نوعی به حمایت از پاکستان و مخالفت با خواسته های امریکا و هند برخاسته اند.

چین معتقد است که اگر قرار است هند به عضویت گروه تأمین کننده گان هسته ای دربیاید، باید با درخواست پاکستان هم برای پیوستن در این گروه موافقت شود.

هند و پاکستان از جمله کشورهای صاحب سلاح هسته ای هستند که معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای (NPT) را امضا نکرده اند و در صورتی که هند عضو گروه تأمین کننده گان هسته ای شود، عضویت در معاهده NPT به عنوان پیش شرط برای ملحق شدن کشورها به گروه تأمین کننده گان هسته ای، عملاً نادیده گرفته خواهد شد.

گزارش ها حاکی است که به رغم اصرار چین بر مخالفت با پیوستن هند به گروه تأمین کننده گان هسته ای، برخی کشورهای عضو این گروه از جمله آفریقای جنوبی، نیوزیلند و ترکیه مواضع مخالف خود را با عضویت هند در گروه تأمین کننده گان هسته ای تا حدودی تلطیف کرده اند که این امر می تواند ناشی از حمایت تمام قد امریکا از عضویت هند در این گروه باشد.

ورزشکار مقیم اروپا: دولت افغانستان مرا به مسابقات جهانی معرفی کند



ننگیالی عثمانی

اشاره: غلام غوث در ولایت کابل زاده شده و از دانشکده حقوق و علوم سیاسی کابل نیز فارغ گردیده است. او قهرمان پهلوانی مقیم کشور آلمان و مربی یکی از کلب های خصوصی در این کشور می باشد. خبرنگار روزنامه ماندگار مصاحبه ای را با او ترتیب داده است که تقدیم تان می گردد.

لطفاً درباره دست آوردهای ورزشی تان به خواننده گان ما یاد آورید؟

از سن پنج سالگی ورزش پهلوانی را در کلب سازمان جوانان تحت نظر پدرم آغاز کردم. در سال ۱۹۸۵ قهرمان کودکان بودم و در سال ۱۹۸۶ قهرمان نوجوانان و در سال ۱۹۸۸ عضویت تیم ملی کشور را کسب کردم. اولین پهلوانی بودم که در سن ۱۳ سالگی عضویت تیم ملی افغانستان را کسب کرده است. سه بار قهرمان وزن خود در کشور مسکو شدم. چهار سال قهرمان وزن خود در کشور آلمان بودم و در مجموع تا به حال ۵۸۰ مسابقه انجام دادم که از این میان، تنها ۴ مسابقه را باختم. ۷۰ مدال دارم، از این میان ۲۶ مدال طلا و متباقی نقره و برنز می باشد.

چرا افغانستان را ترک کردید؟

به خاطر بی گیری دانش به کشور روسیه آمده بودم، اما متأسفانه در آن زمان جنگ های داخلی در کشور شروع شد بنا جان خود را در خطر دیدم و تصمیم گرفتم همین جا بمانم، در سال ۱۹۹۲ پناهنده شدم به کشور جرمنی، فعلاً هم در کشور همین کشور زنده می کنم و تمرینات خود را در رشته پهلوانی ادامه می دهم.

یک قهرمان دارای کدام خصوصیات باشد؟

یک قهرمان باید شخصیت و اخلاق خوب و نیکو داشته باشد، از ورزش خود سو استفاده نکند و برای مردم خود یک الگو باشد. به کشور خود خدمت کند و افتخار بیافریند. اشخاص که ورزش می کند، احساس مسولیت و احترام بیشتر برای مردم خود قابل می باشد.

بزرگترین آرزوی شما در زنده گی چیست؟

یگانه آرزوی بزرگ من به اهتزاز در آوردن بیرق کشور در مسابقات جهانی است، در زمان مهاجرت در کشورهای اروپای مسابقات زیادی داشتم و همیشه بیرق کشورهای بیگانه نه را بلند می کردم که این برایم بسیار رنج آورد بود.

خواست شما از دولت افغانستان چیست؟

واژه میهن دوستی به معنی پیوند عاطفی انسان به زادگاه اش است. امروز وقتی ما از زادگاه و میهن سخن به میان می آوریم، در واقع مسأله پیوند انسان با سرزمین و مردمی که در آن زنده گی می کند و با دولت که به وجود آورده اند مدنظر می گیریم. بنا از حکومت می خواهم تا در مسابقات که قرار است در کشور پولند برگزار شود و در آن تمام قهرمانان جهان اشتراک می کنند، مرا از طریق کمیته ملی المپیک افغانستان به آن جا معرفی کند. تا به حال افغانستان در مسابقات جهان در رشته پهلوانی اشتراک نکرده است، اگر کمیته ملی المپیک و تربیت بدنی افغانستان در این عرصه با من همکاری کنند شاید افتخار بزرگی برای کشور کسب کنم. من از دولت پول نمی خواهم، تمام مصارفم را از جیب خود می دهم، تنها مرا در مسابقات معرفی و ثبت نام کند.

پیام شما به جوانان کشور؟

رابطه یک انسان با جایگاه که در آن زنده گی می کند کاملاً نسبی است، هر چه که ریشه ها وجود طبیعی انسان در یک مکان قوی تر باشد، ارتباط آن شخص از نظر روانی و طبیعی به آن محل بیشتر و قوی تر خواهد بود، جوانان عزیز هیچ گاه کشور عزیز خود را ترک نکنید و به کشور خود خدمت کنید، به هر ورزش که علاقه دارید، ورزش کنید به خاطر سلامتی خود و کشورتان. جوانان عزیز! با اتفاق، هم دلی، هم بسته گی و با وحدت ملی صلح و ثبات است که پیشرفت می کنید نه غیر از آن.

Mandegar

حلقه به پاکستان تنگ می‌شود

خوبی را فراهم می‌کند، پیام سیاسی آن مهمتر از پیام اقتصادی آن است. و این پیام به دولت پاکستان این هست که نباید با همسایه‌های خود با دیدگاه خصمانه، برخورد نماید.

موضوع بندر چابهار هم به همین سادگی طرح‌ریزی نشده و از ده سال به این طرف، مورد بحث مقام‌های دولتی افغانستان، ایران و هند بوده تا این که چند روز پیش نقطه پایانی به هر نوع گمانه‌زنی و شروعی بر همکاری سیاسی و اقتصادی منظوری زده شد.

به نظر می‌رسد که دولت هند بیش از چهارصد میلیون دالر امریکایی را برای بهبود مسایل تخنیکی بندر چابهار مصرف می‌کند تا از این بندر در تمام فصل سال و به‌خصوص زمستان، استفاده شود. همچنین این را هم باید دانست که شهر چابهار یکی از شهرهای جنوب شرقی ایران و هم‌مرز با پاکستان بوده که تنها بندر اقیانوسی این کشور می‌باشد و در کرانه دریای عمان و اقیانوس هند

بسیار طولانی است، اما وجود گزینه سوم مطمئناً همانند گزینه دوم، راه‌های بدیل و کشورهای بیشتری را در دسترس تجارت با ما قرار می‌دهد. اما بندر چابهار، گزینه شماره دوم افغانستان، موضوعی بسا خوشایند است. و بدون شک، دارای مفاد فراوان برای همه‌ی طرف‌های مساله است. هر سه کشور ایران، افغانستان و هند به‌خوبی از این مساله آگاه هستند. سران دولتی هر سه کشور ذکر شده، برای استفاده از بندر چابهار اراده سیاسی و اقتصادی قوی دارند و این در عین حال بدخواهی دولت پاکستان را نشان می‌دهد که چگونه سدی برای راه کشورهای همسایه خود شده بود. مطمئناً حالا آنها هم فهمیده‌اند که روابط منطقه‌ای در حال گسترش بوده و تغییرات گسترده‌ای در حال انجام است و اگر کشوری بخواهد در مقابل همسایگان خود بهانه‌گیری و مشکل‌تراشی بکند، از رقابت‌های اقتصادی و تجاری عقب خواهد افتاد و چه بسا از معادلات بیرون فرستاده می‌شود.



قرار دارد. لنگرگاه آن قابلیت پهلوگیری کشتی‌های اقیانوس‌پیما را دارد و از مناطق آزاد بازرگانی ایران است.

هم‌زمان افتتاح بند سلما و به‌دنبال آن امضای قرارداد توسعه و افزایش ظرفیت بند کجکی، خبرهای خوبی برای کشور ما است، اما نمی‌تواند خبر خوبی برای کشورهای همسایه ما که از آب‌های افغانستان استفاده می‌کنند، باشد.

حالا که ما از یک دستاور کلان منظوری صحبت می‌کنیم، باید این را در نظر داشت که رابطه خوب با همسایه‌ها، همیشه باید جزو یکی از استراتژی‌های افغانستان برای برنامه‌ریزی‌های طولانی‌مدت کشور قرار گیرد. بندر چابهار فقط یکی از نمونه‌هایی است که می‌توان در زیر سایه داشتن روابط خوب با همسایه‌ها داشت.

داشتن روابط خوب در عین حال با پاکستان و کشورهای همسایه شمالی افغانستان و چین، همیشه منافع‌های زیادی را برای همه کشورهای منطقه و به ویژه افغانستان دارد که به محکم‌تر شدن روابط و در نتیجه ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری خواهد انجامید که رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت.

محمد طاهری

شاید هیچ چیزی نگران‌کننده‌تر از داشتن یک همسایه بدخواه نباشد. در طول سه دهه، همه ما افغان‌ها شاهد بودیم که پاکستان در همسایگی جنوبی، بدخواهی ما را به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم همیشه ابراز داشته است. پاکستان در منظر جامعه جهانی همیشه از یک افغانستان قوی حمایت می‌کند، در عین حالی که در مسایل مابین دو کشور، خواهان یک افغانستان ضعیف و درهم‌شکسته بوده است.

در عین حالی که در نقطه استراتژیکی مابین جنوب آسیا و مرکز آسیا قرار داریم، ولی راه نداشتن افغانستان به آب‌های آزاد جهان، یک مشکل عمده به‌حساب می‌آید و با همسایگی کشوری مانند پاکستان، این مشکل به یک معزل تبدیل شده است. حالا که افغان‌ها می‌خواهند برای آینده خود و به اصطلاح دهه تحول و دهه‌های پس از تحول برنامه‌ریزی بکنند، نیاز به روابط گسترده تجاری و صادرات و واردات با کشورهای قدرتمندتر دارد. از این منظر، بزرگترین مشکل کشور، محاط به خشکی بودن افغانستان است.

تاجران و صنعت‌کاران ما از تبعیض‌های گسترده‌یی که در خود بندر کراچی و یا در شاهراه‌های پاکستان شامل حال اجناس و مال‌شان می‌شد، همیشه شکایت داشتند. اما دولت توان چانه‌زنی با پاکستان را نداشت و مجبور به امتیازدهی بودیم. حالا از این مساله جنگل برانگیز مابین دو کشور اگر به سمت ایران برویم، بندر چابهار در درجه اول، برای افغان‌ها از این منظر، یک نقطه استراتژیک است. این که ما چقدر می‌توانیم از بندر چابهار به‌عنوان یک اهرم فشار بر علیه سیاست‌های تبعیض‌آمیز پاکستان استفاده کنیم، نیاز به یک مدیریت قوی در وزارت تجارت و اتاق‌های تجارت دارد که در طول زمان، مشخص خواهد شد.

در سال‌های گذشته تنها راه ما، پاکستان و بندر کراچی بود. پاکستان و بندر کراچی مشکلات عمده‌ای داشتند که تقریباً هزینه و ریسک تجارت را تا درصد بالایی افزایش می‌دادند. وجود نامنی در درجه اول، که گاهی توسط دزدان مسلح و یا جنگجویان شورشی اتفاق می‌افتاد، راه پاکستان را بسیار خطرناک می‌کرد. مشکل دیگری که سد تجارت با پاکستان بود، این است که یک برنامه و پلان مشخص و چارچوب قانونی از طرف دولت پاکستان وجود نداشت. دولت پاکستان هر زمان که می‌خواست و هر دلیلی را که مشخصاً برای گروهی در داخل پاکستان قانع‌کننده می‌دید، از طریق بستن راه‌های خود بر روی تاجران افغان و هندی، عرصه را برای تجارت دو کشور تنگ می‌کرد. از این طریق پاکستان همیشه بر دولت افغانستان و متقابلاً هند، فشار آورده و امتیاز گرفته است.

مهمترین دلیل سرمایه‌گذاری دو کشور افغانستان و هند در چابهار همین مساله است. از این دیدگاه، بندر چابهار قدرت مانور پاکستان را کاهش می‌دهد و حتی ممکن است به صفر برساند؛ چون دیگر هند و افغانستان نیازی به پاکستان ندارند.

از اطلاعات خوبی که حالا به گوش می‌رسد، این است که افغانستان از طریق آسیای میانه و روسیه به آب‌های مدیترانه نیز وصل خواهد شد. اگرچه راه

غنی:

د عرب امارات سوداگر دی

په افغانستان کې پانگونه وکړي



افغان ولسمشر متحده عربي اماراتو ته د سفر پر مهال په دغه هېواد کې له میشتو افغان او عربي سوداگرو وغوښتل چې په افغانستان کې پانگونه وکړي.

د افغان ولسمشر مرستیال ویاند وایي چې حکومت له بل هر وخت زیات دا مهال کوښښ کوي چې بهرنیو پانگه والو په افغانستان کې پانگې اچونې ته وهڅوي او له دې سره د هېواد اقتصاد وده کړي. شاه حسین مرتضوي د جمعي په ورځ ازادي راډیو ته وویل، متحده عربي اماراتو ته د افغان ولسمشر د سفر عمده هدف د افغانستان د کرنیز اقتصاد د ودې په برخه کې د عربي سوداگرو پانگونه ته هڅول دي. ښاغلي مرتضوي وویل چې محمد اشرف غني په دغه سفر کې په اماراتو کې د افغان سوداگرو د ستونزو په اړه بحث وکړ او دوی یې په خپل هېواد کې پانگې اچونې ته وهڅول.

ښاغلي مرتضوي زیاته کړه:

«دغه سفر د دواړو هېوادونو ترمنځ د اقتصادي همکارو د پراختیا په هدف شوی، افغانستان علاقه لري چې امارات په افغانستان کې د کرنې په اقتصادي وده کې پانگونه وکړي، ولسمشر به په دغه سفر کې له افغان سوداگرو سره د دوی پر ستونزو هم خبرې وکړي او دوی به وهڅوي چې په افغانستان کې پانگونه وکړي.»

دا مهال لسگونه افغان سوداگرو په متحده عربي اماراتو کې په بېلابېلو برخو کې میلیونه دالره پانگونه کړې.

افغان ولسمشر محمد اشرف غني د یوه دولتي پلاوي په مشرۍ د تېرې پنجنشې په ورځ په یو ورځني سفر د متحده عربي اماراتو پلازمېنې ابوظبی ته ولاړ.

له دې وړاندې افغان حکومت او متحده عربي امارتو په خپل منځ کې د همکارو ستراتیژیک توافقنامه لاسلیک کړې چې له مخې یې متحده عربي امارت له افغانستان سره په اقتصادي، سیاسي او فرهنگي برخو کې همکاري کوي.

د اقتصادي چارو افغان کارپوه اذرخش حافظي ټینګار کوي چې لومړی باید افغان حکومت په اقتصادي برخه کې پرې ستونزې حل کړي، خو بهرنیان په افغانستان کې پانگې اچونې ته وهڅیږي. ښاغلي حافظي زیاته کړه:

«دوبی د افغانستان لپاره د نړیوالې سرمایې په یو پول بدلېدای شي، خو په افغانستان کې د پانگې اچونې د جلب لپاره زمينه نه ده مساعده، تر اوسه د اقتصادي وضعیت لپاره اساسي کرښې نه دي تعین شوې، نو ممکنه نه ده چې په داسې یوه حالت کې موږ بهرنی پانگوال په افغانستان کې پانگې اچونې ته وهڅوو، په لومړي سر کې باید په هېواد کې دننه د افغان سوداگرو امنیت خوندي شي چې بهرنیو پانگوالو لپاره یو ښه مثال وگرځي.»

که څه هم ښاغلي حافظي په دې باور دی چې په افغانستان کې د اماراتو پانگه اچونه به افغانستان ته زیاتې ګټې ولري، خو ټینګار کوي چې افغان حکومت باید په دې برخه کې بهرنیو پانگوالو ته لازم فرصتونه برابر کړي. اذرخش حافظي وایي، که د افغانستان د اقتصادي ودې لپاره یوه روښانه لاره تعقیب نه شي، د هېواد اقتصاد اساسي ګرښې ونه ټاکل شوي او په افغانستان کې د سوداگرو او پانگوالو امنیت خوندي نه شي، نو هیڅ کورنۍ او بهرنۍ سوداگر او پانگوال به په افغانستان کې پانگې اچونې ته زړه ښه نه کړي.

شفاخانه بیست بستر تداوی معنادرین ریاست صحت عامه ولایت پنجشیر در سال مالی ۱۳۹۵ خویش دیوار احاطه حویلی تعمیر و یک باب آشپز خانه خویش را به اعلان میسپارد. شرکت های ساختمانی که خواهش قرارداد را داشته باشند تا سه هفته بعد از نشر اعلان به شفاخانه تداوی معنادرین ولایت پنجشیر مراجعه نموده شرط نامه را اخذ کرده می‌توانند. با احترام

وزارت صحت عامه ریاست صحت عامه ولایت پنجشیر شفاخانه ۲۰ بستر تداوی معنادرین مواد مخدر مدیریت مالی و اداری